

گفتگو با دکتر منصور فرهنگ و دکتر هوشنگ امیراحمدی پیرامون انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و تأثیر آن بر ایران

«ماه‌های حادثه در پيش است»

مریم محمدی

mmohammadi@radiozamaneh.com

مبارزات انتخاباتی آمریکا برای انتخاب چهل و چهارمین رییس‌جمهور این کشور مانند همیشه نگاه همه جهان را متوجه خود ساخته است. با توجه به نقشی که این کشور در سیاست جهانی دارد، انتخاب مسیر سیاست خارجی از جانب نامزدها اهمیت ویژه‌ای در نتیجه انتخابات می‌یابد.

اما ویژگی مشخص‌تر این انتخابات شاید حضور دو چهره بحث‌برانگیز در میان نامزدها بود. حضور فعال و جدی یک زن در مبارزات انتخاباتی و حضور یک سیاهپوست آمریکایی و هر دو از یک حزب، امری که در نظر بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی، امتیازی منفی برای دموکرات‌ها در مقابل جمهوری‌خواهان یعنی آقای «مک‌کین» به حساب می‌آید.

برای جامعه ایرانی داخل و خارج کشور، در اثر رابطه بحرانی ایران و آمریکا، همه جوانب این مبارزه انتخاباتی به سرعت تحت تأثیر موضع‌گیری نامزدها درباره آینده رابطه ایران و آمریکا و چشم‌انداز بحران قرار گرفت. به طوری که ایرانیانی که در درون و بیرون حکومت، خواهان پرهیز از تشدید بحران میان دو کشور و حتی حل آن هستند، به وعده‌های صلح‌جویانه آقای اوباما در جریان نطق‌های انتخاباتی‌اش امید بسته بودند.

اما آقای اوباما پس از تثبیت موقعیت خود به عنوان نامزد حزب دموکرات، چهارشنبه هفته گذشته در کمیته امور عمومی اسرائیل در آمریکا (آپیک) نطق شدیدالحنی علیه ایران ایراد کرد و همچون خانم کلینتون حتی بر گزینه نظامی تأکید کرد. این در حالی است که هیلاری کلینتون و عده‌ی همکاری‌های نزدیک را با آقای اوباما حتی در مقام معاونت داده است.

در این باره با دو استاد دانشگاه تحلیل‌گر مسائل سیاسی در آمریکا، آقایان دکتر منصور فرهنگ و دکتر هوشنگ امیراحمدی گفت و گو کردم.

آقای منصور فرهنگ در این باره می‌گوید: «هیچ فرقی ندارد. وقتی پای عمل پيش بیاید، الان ملاحظه می‌کنید که خانم کلینتون هم اعلام کرد اگر لازم بشود و منافع مملکت ایجاب کند، من به او معاونت او انتخاب می‌شوم. یعنی الان دیگر پوزیشن (موضع) حزب دموکرات، موفقیت است.»

هوشنگ امیراحمدی، رییس انجمن دوستی ایران و آمریکا

اما نظر آقای امیراحمدی در این زمینه کمی متفاوت است: «من فکر می‌کنم صحبت‌های آقای اوباما در آپیک را نباید جدی گرفت. یک جلسه تبلیغاتی بود. آپیک یک سازمان لابی است و ایشان هم با یک سازمان لابی داشت صحبت می‌کرد. یعنی می‌خواست در واقع به یک شکلی خودش را به این نیرو بفروشد؛ برای این‌که این نیرو بسیار قدرتمندی است و می‌تواند در این انتخابات خرابکاری کند.»

آقای فرهنگ، علت رویکرد تازه آقای اوباما را این‌گونه هم تفسیر می‌کنند: «به نظر من هیچ موفقیتی در داخل آمریکا میسر نیست؛ مگر این‌که دوستی اسرائیل را ثابت کنند. یعنی اسرائیل به قدری در آمریکا نفوذ دارد و روی کمپانی‌هایی که رأی‌ساز هستند و کمک‌های آن‌ها مؤثر خواهد بود که قطعاً هر داوطلب انتخاباتی می‌بایست منافع اسرائیل را در نظر بگیرد و سیاستش را در جهت تأمین منافع اسرائیل هدایت کند.»

با تأیید چنین وضعیتی در آمریکا، آقای امیراحمدی موضع‌گیری آقای اوباما را این‌گونه هم می‌بیند: «من فکر می‌کنم خوب شد که اوباما این‌گونه حرف زد. یعنی من اعتقاد دارم اگر اطرافیان بوش و آپیک‌ها و جناح‌های راست خیلی خشن این کشور که می‌خواهند ایران را بزنند، اگر احساس‌شان این باشد که اوباما با ایران کنار می‌آید، حتماً یک اتفاقی را در این پنج شش ماه آینده،

قبل از اینکه او باما رییس‌جمهور بشود، پیش می‌آورند.

اما اگر احساس‌شان این باشد که اگر او باما سر کار بیاید، باز هم با ایران کنار نمی‌آید و به این سادگی ایران را رها نخواهد کرد، آن وقت به نظر من این فشار برای زدن نظامی ایران کم می‌شود.»

دکتر منصور فرهنگ، نماینده پیشین ایران در سازمان ملل متحد

در همین ارتباط آقای امیراحمدی قبلاً به ما گفته بودند که این چند ماه آینده را تا تعیین تکلیف انتخابات ریاست جمهوری و احتمالاً پیروزی دموکرات‌ها برای ایران خطرناک می‌بینند. ممکن است تیم آقای بوش بخواهند در همین دوران، حمله محدود یا گسترده نظامی را به ایران سامان بدهند. آقای فرهنگ در این باره می‌گوید:

«من معتقدم که جنگ یک‌پارچه، حمله به ایران، بدون تردید مصالح آمریکا را به خطر می‌اندازد. چون ایران عراق نیست و بدون شک یک جنگ داخلی در ایران ایجاد می‌کند و در خاورمیانه شعله آن فروخته می‌شود که مصالح کشورهای غربی، چنین جنگی را ایجاب نمی‌کند.

خیلی بعید به نظر می‌آید که آمریکا این سیاست را دنبال کند و جنگ عراق را به ایران بکشاند. این جنگی خواهد بود که مثل جنگ کره یا ویتنام، آمریکا را به سقوط می‌کشاند.

حمله محدود هم که جمهوری اسلامی را تثبیت می‌کند. به هر حال افکار عمومی ملت ایران را علیه سیاست‌های غربی، خاصه آمریکا بسیج می‌کند. در نهایت اگر به قصد از بیخ و بن برانداختن رژیم باشد که آن هم جنگی نیست که به سود ملت ایران باشد و حتی به سود آمریکا و جهان باشد.»

اما آقای امیراحمدی هنوز بر سر آن نظر و احتمالی که می‌دادند، هستند؟ وی چنین پاسخ می‌دهد: «بله؛ من اعتقاد دارم در این چهار پنج ماه آینده، چهار پنج ماه سیاست‌گذاری نخواهد بود؛ بلکه چهار پنج ماه حادثه خواهد بود.

یعنی دولت بوش بر اساس یک سیاست نمی‌آید به ایران حمله کند؛ بلکه نیروهای طرفدار جنگ در منطقه و خارج منطقه یک جریان یا حداقل یک حادثه بزرگ راه می‌اندازند که آن را آقای بوش و جنگ‌طلب‌های این کشور بهانه بکنند تا بتوانند ایران را بزنند.

وگرنه در چهارچوب سیاست نمی‌تواند ایران را بزند. برای این‌که ایران، یک تهدید فوری و واقعی نیست و دولت بوش به همین دلیل هم مجبور است بهانه پیدا کند. بنابراین به نظر من، این نیرو دنبال بهانه است و این‌که آیا می‌تواند آن بهانه را پیدا کند یا نه، قابل پیش‌بینی نیست.»

از آقای امیراحمدی می‌پرسم آیا راهی هم برای جلوگیری از این وضعیت وجود دارد؟ وی می‌گوید: «دولت ایران هم به این جریان توجه دارد. احساس من این است که جمهوری اسلامی الان خیلی دقیق دارد به این جریان نگاه می‌کند و مواظب است که یک حادثه‌ای اتفاق نیفتد.

کسانی را هم که حادثه‌آفرینی می‌خواهند بکنند، حساسی زیر نظر دارد و من اعتقاد دارم که بین وزارت اطلاعات ایران و آمریکا الان رد و بدل شدن اطلاعات خیلی زیاد است. اعتقاد دارم ایران به آمریکا در مورد هر حرکت مشکوکی در ایران یا در منطقه بر علیه آمریکا ببیند، اطلاعات می‌دهد. دارد این اطلاعات را به آمریکا می‌دهد برای این‌که مطمئن باشد که دشمنان ایران در منطقه ایجاد یک وضعیتی را نمی‌کنند که بهانه به بوش بدهد.»

از ایشان می‌پرسم آیا از وجود چنین ارتباطی مطمئن هستید؟ آقای امیراحمدی در پاسخ می‌گوید: «من تقریباً حتم می‌دانم که چنین ارتباطی وجود دارد. اگر غیر از این باشد من شک می‌کنم. بودن این، الان برای من خیلی طبیعی است.»

و سرانجام در مقابل این سوال که شانس کدام یک از احزاب جمهوری‌خواه و دموکرات برای رسیدن به ریاست جمهوری بیشتر است، آقای فرهنگ با اشاره به امکان همکاری خانم کلینتون و آقای او باما می‌گویند: «من فکر می‌کنم که اگر هر کدام از این دو تا انتخاب می‌شدند، خاصه اگر آقای او باما انتخاب می‌شد، در مقابل آقای مک‌کین ضعیف بود.

حالا اگر هر دوی این‌ها موفق بشوند به عنوان رییس‌جمهوری و قائم‌مقام رییس‌جمهوری، شانس موفقیت‌شان به نظر من به طور نسبی بیشتر است. چرا که هم جوان‌ها را که آقای او باما برانگیخته همراه دارند و هم زنان را که نیمی از جامعه آمریکا هستند و عدم انتخاب خانم کلینتون به کاندیدایی حزب دموکرات، به این حزب لطمه می‌زد و آرا را به طرز فاحشی پایین می‌آورد. بنابراین توافق آن دو با همدیگر، اگر امکان‌پذیر باشد، بدون تردید موفقیت این‌ها را تضمین خواهد کرد.»

---

## نظرات خوانندگان

مردم ایران در خواب هستند. اخبار صدا و سیما که همه دنیا را در شکست و آشوب معرفی میکند تنها یک کشور را به این مردم خواب آلوده رکورد دار اعتیاد در جهان بعنوان پیروز و امن معرفی می کنند و آنهم ایران است خدا نیاورد روزی را که امریکائیان که در بدر بدنبال سطل آشغالی برای بمبهای قدیمی و از رده خارج خود میگردند آن را در ایران پیدا کنند آنوقت در دقیقه ۹۰ هم سطل آشغال پیدا شده و هم یک پیروزی بزرگ بدون هیچ تلفاتی بدست آمده .... آقای حیاتی در شبکه خبری سیما با بغض میگوید : امریکای جنایتکار امروز به میهن ما حمله کرد و صدها مرکز مهم را نابود کرد ..... و طبق معمول هیچ کس نخواهد پرسید پس آن سلاحهایی که میگفتید در جهان هیچکس ندارد و امریکا را به روز سیاه خواهد نشانند چه شد؟ ما که ۲۸۰۰ سال تاریخ مکتوب داریم در این ۱۴۰۰ سال دوم واقعا چه شده ایم چرا مشکل خود را نمی فهمیم ؟

-- بدون نام ، Jun 13, 2008 در ساعت ۰۱:۴۶ PM

فایل صوتی قابل دانلود کردن نیست. به عبارتی امکان دانلود آن بصورت ام پی تری وجود ندارد.

-- بدون نام ، Jun 13, 2008 در ساعت ۰۱:۴۶ PM

---

تمام حقوق مربوط به این وبسایت و محتوای آن بر اساس پروانه‌ی کربتو کامنز متعلق به رادیو زمانه است.